



پژوهشنامه‌ی علوم انسانی و اجتماعی

«ویژه‌نامه‌ی پژوهش‌های اجتماعی»

نیمه دوم سال ۱۳۸۷

جهت‌گیری ارزشی و ارتباط آن با شاخص‌های اقتصادی -

اجتماعی توسعه‌ی انسانی در ایران: مطالعه‌ی موردی

ساکنان شهرهای شیراز و یاسوج<sup>۱</sup>

جهانگیر جهانگیری\*

اصغر میرفردی\*\*

### چکیده

جهت‌گیری ارزشی، نگرش و کنش‌های افراد را مشخص می‌کند. این پژوهش به شیوه‌ی پیمایشی به آزمون فرضیه‌هایی درباره‌ی ارتباط شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی توسعه‌ی انسانی با جهت‌گیری ارزشی می‌پردازد. داده‌ها از طریق مصاحبه با ۹۹۰ نفر از افراد پانزده ساله و بالاتر به‌دست آمده است، که به شیوه‌ی نمونه‌گیری تصادفی از میان ساکنان شهرهای شیراز و یاسوج انتخاب شده‌اند. داده‌های بررسی نشان می‌دهد که رابطه‌ی معناداری بین شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی توسعه‌ی انسانی (سطح سواد فرد، سطح سواد والدین، میزان احساس امید به زندگی، پایگاه اقتصادی) و هم‌چنین وضعیت شغلی (متغیرهای مستقل) از یک‌سو، و جهت‌گیری ارزشی (متغیر وابسته) از سوی دیگر وجود دارد. به عبارتی هر چه شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی توسعه‌ی انسانی بیشتر بهبود یابند، نمره‌ی جهت‌گیری ارزشی نیز افزایش می‌یابد و افراد از نظر ارزشی با توسعه‌سازگارتر هستند. در پایان نیز پیشنهادهایی برای بررسی بیشتر موضوع جهت‌گیری ارزشی ارائه شده است.

**واژگان کلیدی:** جهت‌گیری ارزشی، شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی، توسعه‌ی

انسانی، توسعه

۱- این مقاله برگرفته از رساله‌ی دکتری جامعه‌شناسی اصغر میرفردی است.

\* نویسنده مسئول - عضو هیأت علمی بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

\*\* عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه یاسوج

## ۱. مقدمه

تغییر و تحولات پس از انقلاب صنعتی در جهان، اگرچه در ابتدا بیشتر در بعد صنعتی و اقتصادی بوده، در تداوم آن، ابعاد اجتماعی و فرهنگی را نیز در بر گرفته است. البته در تبیین تحولات اقتصادی کشورهای غربی، برخی (وبر، ۱۳۷۳) زمینه‌های فرهنگی و اعتقادی را دلیل عقلانی آن دانسته‌اند.

توسعه و زمینه‌ها و پیامدهای فرهنگی و ارزشی آن از محوری‌ترین مباحث در مطالعات توسعه است. این‌که چه ارتباطی بین توسعه و زمینه‌های فرهنگی - به‌ویژه نگرش‌ها و ارزش‌ها - وجود دارد، در دهه‌های اخیر مدّ نظر پژوهشگران اجتماعی بوده است. پیمایش جهانی ارزش‌ها<sup>۱</sup> که از دهه‌ی ۱۹۷۰ آغاز شده است، کانون توجه خود را به این مبحث کشانده است.

مطالعات جامعه‌شناسان کلاسیک همچون وبر<sup>۲</sup>، دورکیم<sup>۳</sup> و در دهه‌های بعد مک کله‌لند<sup>۴</sup>، راجرز<sup>۵</sup> و ... ارتباط تغییر و تحولات اقتصادی و فرهنگی را بیشتر نشان می‌دهد. ایران که از دوران قاجاریه در ارتباط با تمدن نوین بوده است، به‌ویژه از زمان رضاشاه دچار تحولات بنیادین در ساخت‌های سنتی خود شده و پیکره‌ی جامعه از نظر سکونت‌گاه، بافت اقتصادی - اجتماعی و ... متحوّل شده است. شاخص‌های توسعه و از جمله توسعه‌ی انسانی نسبت به گذشته، بهبود یافته است و به‌گونه‌ای خواست جمعی برای دستیابی به استانداردهای نوین زندگی، نشانه‌ی بروز تحولات ساختاری در جامعه است. به‌دنبال این دگرگونی‌ها، قطعاً ارزش‌ها و باورها نیز دستخوش تحولات می‌شوند. برای شناخت ارتباط بین ارزش‌ها و نگرش‌ها و توسعه‌ی انسانی، این موضوع را در قالب رساله‌ی دکتری در خصوص جهت‌گیری ارزشی در ارتباط با وضعیت توسعه‌ی انسانی در ایران مورد بررسی قرار داده ایم. در این مقاله برآنیم تا جهت‌گیری ارزشی در ایران را مورد واکاوی قرار دهیم. این مقاله در صدد است تا دریابد که عوامل اقتصادی اجتماعی

1 - The world values survey (WVS)

2- Weber, M.

3 - Durkheim, E.

4 - McClelland, D.

5 - Rogers, E.

توسعه‌ی انسانی ( همچون سواد، وضعیت شغلی، احساس امید به زندگی و قدرت اقتصادی ) چه تأثیری بر جهت گیری ارزشی افراد دارند؟ این مقاله در صدد است تا به چنین سؤالاتی پاسخ گوید: جهت گیری ارزشی چه ارتباطی با شرایط اقتصادی اجتماعی افراد دارد؟ با توجه به این‌که سواد، قدرت اقتصادی و امید به زندگی شاخص های مهم توسعه‌ی انسانی است، آیا تفاوت معناداری بین افراد از نظر وضعیتشان در این شاخص ها و جهت گیری ارزشی آن‌ها وجود دارد؟

بررسی این موضوع از جهات زیر اهمیت و ضرورت می‌یابد: ۱- رسیدن به شرایط توسعه یافتگی در ابعاد گوناگون، خواست هر جامعه‌ای بوده و شناخت شاخص‌های یک جامعه‌ی توسعه یافته و هم‌چنین فاصله جوامع توسعه نیافته با آن شاخص‌ها، برای هدف مورد نظر ضروری است. ۲- تغییر و توسعه، تحول صرف در ابزارهای مادی نیست، بلکه زمینه‌ی فرهنگی و ارزشی متناسب را می‌خواهد و یا در پی دارد؛ لذا شناخت جهت‌گیری ارزشی یک جامعه در ارتباط با روند توسعه ضروری است. در این میان، شناخت جهت گیری های خاص گرایانه و با اعتماد کم به عنوان نگرش های بازدارنده برای توسعه از اهمیت اساسی برخوردار است. ۳- ضرورت سوم به فقدان و یا کمبود مطالعات این‌چنینی در مورد جامعه‌ی ایران برمی‌گردد.

## ۲. پیشینه‌ی تحقیق

خوش‌فر در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود به بررسی ارزش‌های این سه بخش از جامعه پرداخته است. در این بررسی خانواده، مدرسه و گروه همالان به‌عنوان منابع اصلی انتقال ارزش‌ها، از ابعاد گوناگونی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. (خوش‌فر، ۱۳۷۴)

ملکی در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود موضوع ارزش‌ها را در شرایط خانوادگی بررسی کرده است. روش تحقیق پیمایشی و تکنیک جمع‌آوری اطلاعات، مصاحبه همراه با پرسشنامه بوده و برای سنجش گرایش‌های ارزشی از دو طیف مطالعه‌ی ارزش‌های آلپورت و «سنجه‌ی دوازده ارزشی» اینگلهارت استفاده شده است. (ملکی، ۱۳۷۵)

سعادت در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود با استفاده از روش پیمایشی و تکنیک پرسشنامه (طیف لیکرت) مراتب ارزش‌های مورد توجه جوانان شاغل به تحصیل ۱۷-۲۵ ساله‌ی قوچان در سال تحصیلی چهارم متوسطه و بالاتر را مورد سنجش قرار داده است. مطالعه‌ی وی نشان می‌دهد که ۷/۷۴ درصد افراد، سلسله مراتب ارزش‌های موردنظر

(علم، تعهد، قدرت و ثروت) را در حدّ زیاد و ۲۵/۳ درصد در حدّ کم پذیرفته‌اند.  
(سعادت، ۱۳۷۵)

پیشینه‌ی مطالعات مربوط به فرهنگ و توسعه و به عبارتی ارزش‌ها و توسعه، به ماکس وبر برمی‌گردد که در تز خود/اخلاق پروتستانی و روحیه‌ی سرمایه‌داری، رشد سرمایه‌داری در غرب را مدیون آموزه‌های کالونی مذهب پروتستان در مورد کار، قناعت، پارسا منشی و سرنوشت بشری می‌داند. وبر در آیین کالونیسم، نوعی عقلانیت را نشان می‌دهد که فعالیت سودمند اقتصادی را موجب می‌شود. (وبر، ۱۳۷۳) و لزل، اینگلهارت و کلینگ مان در بررسی خود تحت عنوان «توسعه‌ی انسانی، به‌عنوان نظریه‌ای کلی درباره‌ی تغییر اجتماعی؛ یک نگرش چند سطحی و میان فرهنگی»، روند و ماهیت تغییرات اجتماعی و از جمله تغییر ارزش‌ها را مورد مطالعه قرار دادند. (Welzel et al. 2000)

اینگلهارت و بیکر در مطالعه‌ی خود «نوسازی، تغییر فرهنگی و پایداری ارزش‌های سنتی» به بررسی نقش توسعه‌ی اقتصادی در تغییر و یا پایداری ارزش‌های سنتی پرداخته‌اند. این مطالعه نشان می‌دهد که سنت‌های فرهنگی دارای دو وضعیت یعنی تغییرات گسترده و هم‌چنین پایداری هستند و توسعه‌ی اقتصادی موجب تغییر از هنجارها و ارزش‌های مطلق به سمت ارزش‌های عقلانی مدارا جویانه و مشارکت جویانه می‌شود. (Inglehart and Baker, 2000) فراری اکچینورو نیز در پژوهشی تغییر ارزشی را در بین نسل‌های مختلف (والدین و فرزندان) در ایتالیا به بررسی کشانده است. تحقیق یاد شده نتیجه می‌گیرد که جریان متوسطی از دنیوی شدن می‌تواند برای نسل جوان مورد توجه قرار گیرد. (Ferrari Occhionero, 2000) ژو در مطالعه‌ای نشان می‌دهد که فرهنگ پدیده‌ای چند بعدی است. وی در این بررسی سه وجه بنیادین فرهنگ یعنی انگیزه، ارزش، و وجهه‌های خلقی<sup>۱</sup> را بررسی می‌کند (Zhu, 2000) علاوه بر این، محققین مطالعات زیادی در حوزه‌ی فرهنگ، توسعه و تغییرات انجام داده‌اند، که از جمله می‌توان به مطالعات کسانی چون لهماونا (2003)، اینگلهارت و بیکر (2000)، محمدی (2000)، پورتر (2000)، نی و تامپسون (1999)، ریچاردز (1996)، اینگلهارت (1997)، هیلز و همکاران (1996)، تامپسون (1996)، بک و

---

1-Temperament modalities.

همکاران (1994)، یونسکو (1994)، استر و همکاران (1993) اشاره کرد. اغلب مطالعات پیشین درباره‌ی تأثیر شرایط اقتصادی و اجتماعی بر تغییرات ارزشی و یا تأثیر شرایط فرهنگی در توسعه است. تنوع موضوعی مطالعات در این زمینه، از نکات قوت مطالعات است. با این وجود، به ندرت در تحقیقات یاد شده نوعی دسته بندی در جهت گیری های ارزشی مرتبط با توسعه نشان داده شده است. این کاستی به ویژه در مورد جامعه‌ی ایران، ضرورت بررسی جهت گیری ارزشی مرتبط با توسعه را نمایان می کند.

### ۳. مبانی نظری

#### ۳.۱. نظریات مرتبط به موضوع

جامعه شناسان کلاسیک در نظریات خود به تغییر و توسعه توجه زیادی داشته اند. وبر دیدگاه خود را در باره‌ی ارزش‌ها و توسعه در کتاب «اخلاق پروتستانی و روحیه‌ی سرمایه داری» ارائه کرد. او با طرح مسأله‌ی چگونگی پیدایش سرمایه داری، به نقش ارزش‌ها و توصیه های مذهب پروتستان در رونق کار و فعالیت اقتصادی در غرب پرداخت. (وبر، ۱۳۷۱: ۴۸-۵۸) مارکس<sup>۱</sup> در کتاب «سرمایه» روند شکل گیری نظام اقتصادی سرمایه داری را تئوریزه کرده است. (مارکس، ۱۳۷۹) دورکیم در آثار خود تحولات جدید و هم‌چنین ویژگی های جوامع نوین و سنتی را تبیین کرده است (دورکیم، ۱۳۸۱: ۴۶-۴۷) از نظر وی، مطالعه‌ی دین در زندگی انسان از آن جهت مهم است که «نخستین دستگاه های تصویری که بشر از جهان و از هستی خودش پدید آورده، خاستگاه دینی داشته است. هیچ دینی نبوده که علاوه بر جنبه‌ی نگرش به الوهیت در عین حال نوعی جهان شناسی هم در خود نداشته باشد» (دورکیم، ۱۳۸۳: ۱۲) زیمل یکی از مسائل مهم جامعه شناسی را توجه به «شرایط و رخدادهای روابط ارزشی بین رفتار، کنش و اندیشه‌ی جمعی و فردی» می داند. (Simmel, 1950: 21)

دیدگاه نوسازی توسعه را مجموعه‌ای از تغییرات در اقتصاد، نظام آموزشی، شیوه‌های تفکر، کنش و نحوه‌ی زندگی می‌داند. (Schech and Haggis, 2000:9). این دیدگاه تا حدودی مبتنی بر مکتب تکامل‌گرایی است و مطالعات آن

1- Marx, Karl

برخوردار از ویژگی‌های کارکردگرایانه است. (سو، ۱۳۷۸: ۳۱) در این‌جا دیدگاه برخی از نظریه پردازان نوسازی (هیگن، راجرز، مک کلند، اینکلس و اسمیت و پارسنز) که بیشتر مرتبط با موضوع پژوهش هستند و می‌توانند در چارچوب نظری مورد استفاده قرار گیرند، به‌صورت خلاصه ذکر می‌شوند.

هیگن اقتصاددانی است که سعی کرده تا اصول روانشناسی را در نظریه‌ی توسعه‌ی اقتصادی بگنجانند. از نظر او، توسعه‌ی اقتصادی باید از منظر دیدگاه «شخصیت خلاق» بررسی شود. (Hagen, 1962:35) وی معتقد است که نقطه‌های آغازین تربیت و اجتماعی شدن طفل تأثیر قاطعی بر رفتار آینده‌ی او دارد. به‌گونه‌ای که ممکن است باعث نوآوری و پذیرش آن و یا مانع هر دو گردد. احتیاجات، ارزش‌ها و عناصر شناختی جهان‌بینی، از جمله عناصر شخصیت‌اند. (Ibid., p.86, p. 101)

به اعتقاد راجرز، فرهنگ‌های متفاوت با توجه به ارزش‌های اجتماعی شان از هم متمایز می‌شوند. از نظر او، ارزش‌های اجتماعی فرض‌های انتزاعی و اغلب ناآگاهانه در این است که چه چیزی درست و مهم و چه چیزی درست است. (Rogers, 1969: 49) وی معتقد است که پذیرش نوآوری بستگی به فرهنگ دارد، زیرا در بعضی از فرهنگ‌ها، عموماً زمینه برای نوآوری نسبت به فرهنگ‌های دیگر بیشتر است. (Ibid., pp. 24) مک کلند پیشرفت را ناشی از روحیه‌ی کارآفرینانه می‌داند. تز اساسی وی این است که در جامعه‌ای که روحیه‌ی نیاز به موفقیت در آن عموماً در سطح بالاتری است، کارآفرینان پر نیروتری تولید خواهد کرد که این به نوبه‌ی خود موجب توسعه‌ی اقتصادی سریع‌تری خواهد شد. (McClelland, 1961:205)

اینکلس و اسمیت هدف اصلی هر توسعه‌ی اقتصادی را رسیدن به سطح مطلوبی از زندگی برای انسان می‌دانند و این روند را تغییر از سنت‌گرایی به نوگرایی فردی به شمار می‌آورند. (Inkeles and Smith, 1974:289-290). آن‌ها نقطه‌ی شروع نو شدن و تجدّد را در نو شدن انسان، و انسان نوین را فراهم‌کننده‌ی توسعه می‌دانند. پارسنز در نظریه‌ی کنش خود، استانداردهای ارزشی را مورد توجه قرار می‌دهد. او معتقد است که این استانداردها بر اساس روابط شان با شیوه‌های سه‌گانه‌ی جهت‌گیری، طبقه‌بندی می‌شوند. کنش با شیوه‌های شناختی، عاطفی و ارزشیابانه جهت‌گیری می‌شود. طبقه‌بندی استانداردها به این سه جهت، زمینه‌ای را برای

تحلیل کنش فراهم می سازد. (Parsons and Shils, 1962: 72-73) پارسنز در مبحث متغیرهای الگویی، دو شیوهی متفاوت سنتی و نوین جهت گیری ارزشی مورد انتظار نظام های اجتماعی متفاوت را از فرد نشان می دهد. متغیرهای الگویی پارسنز عبارتند از: ۱ - عاطفی بودن در برابر خنثی بودن از لحاظ عاطفی نسبت به موضوع، ۲- جهت گیری جمعی در برابر جهت گیری به سوی خود، ۳ - خاص گرایی در برابر عام گرایی، ۴ - کیفیت ذاتی در برابر جنبه ی عملی (انتسابی در مقابل اکتسابی)، ۵- جزء گرایی در مقابل کل گرایی که او آن ها را به نظریه ی نظام اجتماعی پیوند می زند. بطور کلی، پارسنز معتقد است که در جوامع پیشرفته ی صنعتی انتخاب ها بیشتر غیر عاطفی، به سوی خود، جزئی، عام گرایانه و اکتسابی است؛ در حالی که در جوامع سنتی بیشتر بر جنبه های عاطفی روابط، جهت گیری جمع گرا، کلی بودن تعهدات، خاص گرایی و کیفیات انتسابی تأکید می شود. (Parsons and Shils, 1962: 76-88)

از میان نظریه پردازان جدید، دیدگاه شوارتز<sup>۱</sup>، ژاکوبس<sup>۲</sup> و همکارانش، اینگلهارت، گروندونا<sup>۳</sup>، هاریسون<sup>۴</sup> و الکساندر<sup>۵</sup> که مرتبط با موضوع پژوهش می باشند، مورد بررسی قرار می گیرند:

شوارتز منبع تمام ارزش هایی که در جامعه وجود دارد را به سه گروه شامل ارگانیسم فرد، بقای گروه و لوازم و وسایل کنش متقابل تقسیم می کند. وی بر این اساس شش دسته ارزش کلی را ارائه می کند. این ارزش ها شامل لذت جویی، تحریک و انگیزش، خود رهبری، سنت، همنوایی و امنیت هستند. سه دسته ارزش اولی مربوط به ارزش های باز برای تغییر و سه دسته ی بعدی مربوط به ارزش های محافظه کارانه است. به باور شوارتز، منبع ارزش های لذت جویی و تحریک و انگیزش ارگانیسم، منبع ارزش خودرهبری ارگانیسم و کنش متقابل، منبع ارزش های سنت و همنوایی گروه و

1-Schwartz, Shalom H

2-Jacobs, Garry

3-Grondona, Mariano

4- Harrison, Lawrence E

5- Alexander, Jeffrey C.

کنش متقابل و منبع ارزش امنیت کنش متقابل، گروه و ارگان‌سیم می‌باشند. (Schwartz, 1994:24)

ژاکوبس و همکارانش در نظریه‌ی جامع توسعه‌ی اجتماعی، بر تأثیر نیروی انگیزشی برای پیشبرد تغییر اجتماعی تأکید می‌کنند. در این نظریه هم به امور زیربنایی و مادی و هم به امور نگرشی به‌عنوان شرایط توسعه توجه شده است. (Jacobs et al., 1997; Asokan, 1997) گریف معتقد است تفاوت بین جوامع جمع‌گرا و فردگرا ناشی از شکل‌بندی ارزش‌ها و هنجارهایی است که در قبال شیوه‌های متفاوت سازماندهی مبادلات به‌کار گرفته می‌شوند. (Greif, 1994)

دیدگاه اینگلهارت درباره‌ی تغییر اجتماعی مبتنی بر تغییر ارزش‌ها به‌ویژه تغییر ارزشی بین نسلی (Inglehart, 1977) است که دو فرض بنیادی دارد: ۱- فرضیه‌ی کمیابی: اولویت‌های یک فرد محیط اقتصادی اجتماعی را منعکس می‌کنند؛ ۲- فرضیه‌ی جامعه‌پذیری: رابطه‌ی میان محیط اقتصادی - اجتماعی و اولویت‌های ارزشی یک سازگاری آنی نیست، بلکه متأثر از شرایط جامعه‌پذیری فرد است. (Inglehart, 1997: 33) از نظر اینگلهارت، پس از جنگ جهانی دوم به‌علت امنیت بی‌سابقه‌ی اقتصادی نوعی تغییر بین نسلی از ارزش‌های مادی به فرامادی رخ داده است. (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۶۲۹) جوان‌ها بیش از افراد مسن بر اهداف فرامادی تأکید دارند. اینگلهارت معتقد است اصطلاح «فرامادی‌گرایی» بر مجموعه‌ای از اهداف دلالت دارد که پس از دستیابی مردم به امنیت مادی مورد تأکید قرار می‌گیرند. فروپاشی امنیت اقتصادی به بازگشت و تغییر تدریجی به سمت اولویت‌های مادی منجر می‌شود. فرامادی‌گرایان امنیت اقتصادی را هم مثبت می‌دانند، اما اولویت بالاتری را به بیان نفس<sup>۱</sup> و کیفیت زندگی<sup>۲</sup> می‌دهند. (Ibid., p.35). اینگلهارت میزان تحرک اجتماعی بالا، افزایش امید به زندگی، ریسک‌پذیری، کاهش اقتدارهای مذهبی و دیوانسالارانه‌ی دوران سنتی و مادی‌گرایی، تغییر در نقش‌ها و هنجارهای جنسیتی و ... را از جمله شاخصه‌های فرامادی‌گرایی می‌داند. (Ibid., pp.35-39). در همین زمینه، وینکن

---

1-Self- expression

2-Quality of life



معتقد است فرایند توسعه پیامدهای مثبتی چون خود پنداری، بیان نفس و آزادی‌های عمومی را در پی دارد. (Vinken et al., 2003:2)

گروندونا در تحلیلش از پیشرفت جوامع و نظام‌های ارزشی آن‌ها، یک سنخ‌شناسی از عوامل بیستگانه در حوزه‌ی فرهنگی ارائه می‌دهد که شامل ارزش‌های فرهنگی پیشرو و فرهنگ عقب‌مانده هستند. (Grondona, 2000:46-53)

هاریسون در کتاب «رؤیای آمریکایی»، ده ارزش، نگرش یا مجموعه‌ی ذهنی را ارائه می‌کند که فرهنگ‌های پیشرفته (پیشرو) را از فرهنگ‌های ایستا مجزا می‌کند. این سنخ‌شناسی تا حدّ زیادی مرتبط به سنخ‌شناسی گروندونا است. (Harrison, 2000: 299-300)

الکساندر در نظریه‌ی خود درباره‌ی جامعه‌ی مدنی، چنین جامعه‌ی ای را سپهری از انسجام می‌داند که در آن عام‌گرایی محض و برداشت‌های خاص‌گرایانه از اجتماع شدیداً در هم تنیده شده‌اند. از نظر الکساندر، جامعه‌ی مدنی مبتنی بر منابع یا درون‌دادهای ناشی از سپهرهای دیگر هم‌چون زندگی سیاسی، نهادهای اقتصادی و فرهنگی و سازماندهی سرزمینی<sup>۱</sup> است. او در نظریه‌اش از جامعه‌ی مدنی و با گفتمانی مبتنی بر ویژگی‌های دوتایی، ساختار گفتمانی جوامع را بر حسب کدهای مردم سالارانه و غیر مردم سالارانه دسته‌بندی می‌کند. وی این دسته‌بندی را در سه بخش انگیزه‌های اجتماعی، روابط اجتماعی و نهادهای اجتماعی ارائه می‌کند. در این دسته‌بندی‌ها دو دسته از ویژگی‌ها در برابر هم قرار می‌گیرند. به عنوان نمونه، در بخش روابط اجتماعی فعال بودن در مقابل خنثی بودن، استقلال در مقابل وابستگی، عقلانی در مقابل غیرعقلانی، واقعگرا در مقابل غیر واقعگرا، معقول در مقابل نامعقول (متعصب)؛ در بخش روابط اجتماعی باز (شفاف) بودن در مقابل پنهانی (بسته) بودن، اعتماد در مقابل بدگمانی، شعور در مقابل شور، دوستی در مقابل دشمنی؛ و در بخش نهاد های اجتماعی قاعده‌مندی در مقابل خودسری، قانون در مقابل قدرت، برابری در مقابل سلسله‌مراتب، فراگیر در برابر انحصاری، غیرشخصی در مقابل شخصی، گروه‌های اجتماعی در مقابل جناح‌ها، و سمت در مقابل شخصیت قرار دارند. (Alexander, 2001:4-5)

ویژگی‌های دسته‌ی اول را می‌توان به عنوان ارزش‌های سازگار با توسعه و

1-Territorial organization.

ویژگی‌های دسته‌ی دوم را می‌توان ارزش‌های ناسازگار با توسعه در دیدگاه الکساندر تلقی کرد.

### ۳. ۲. چارچوب و مدل نظری مناسب

با توجه به این‌که این پژوهش در پی شناخت جهت‌گیری ارزشی و ارتباط آن با شاخص‌های توسعه است و در اصل به مؤلفه‌های تغییر اجتماعی، نظام‌های اجتماعی، توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی و ارزش‌های متفاوت در دو زمینه‌ی اقتصادی- اجتماعی مرتبط است، مدل نظری با بهره‌گیری از نظریات مطرح شده پیشین به ویژه نظریه‌ی الکساندر در مورد گفتمان دو سویه‌ی جامعه‌ی مدنی، نظریات نوسازی روانی، دیدگاه پارسنز در مورد متغیرهای الگویی و نظریه‌ی کنش، مقیاس ارزشی شوارتز و دیدگاه اینگلهارت ارائه می‌گردد:

گروندونا و هاریسون در سنخ‌شناسی‌های خود به این شرایط پرداخته‌اند و علاوه بر این، پارسنز در متغیرهای الگویی خود به چنین تقابلی در جهت‌گیری‌ها توجه داشته است. اینگلهارت در نظریه‌اش در مورد تحول فرهنگی و ارزشی به گذار از جریان‌های نوگرایی به فرانوغرایی و به عبارتی از مادی‌گرایی به فرامادی‌گرایی معتقد است. در شرایط فرامادی‌گرایی تغییراتی در ارزش‌های دینی، سیاسی، خانوادگی و اقتصادی نسبت به شرایط مادی‌گرایی رخ می‌دهد. تعبیر دو وجهی اینگلهارت در مورد جوامع بقای نفس (برای جوامع با توسعه‌ی کمتر) و جوامع بیان نفس (برای جوامع توسعه یافته‌تر و فرامادی) می‌تواند مبنایی نظری برای سنجش و شناخت جهت‌گیری‌های ارزشی ارائه کند. مقیاس ارزشی شوارتز در مورد ارزش‌های باز برای تغییر و ارزش‌های محافظه‌کارانه نیز مرتبط به این پژوهش، و تقابل ارزشی آن پیرامون خودرهبی مناسب مدل نظری است. بر این اساس در این بررسی متغیرهای مستقل شامل میزان بهره‌گیری از شاخص‌های توسعه‌ی انسانی در ابعاد اقتصادی- اجتماعی همچون سطح تحصیلات فرد، احساس امید به زندگی (بعد اجتماعی)، وضعیت شغل و قدرت اقتصادی فرد (بعد اقتصادی) است. متغیر وابسته نیز نوع جهت‌گیری ارزشی است. جهت‌گیری ارزشی از طریق شاخص‌هایی چون نگرش عقلانی/غیر عقلانی، عام‌گرایی/خاص‌گرایی، ارزش‌های دمکراتیک/غیر دمکراتیک و علم‌گرایی بالا/علم‌گرایی پایین سنجیده می‌شوند. برای هر کدام از شاخص‌ها، معرف‌هایی برای سنجش وجود دارند. شاخص

نگرش عقلانی از طریق معرف های نوع جهت گیری در مورد آینده نگری (توجه به آینده)، میزان اهمیت دادن به کار، پس انداز و سرمایه گذاری، خطر پذیری بالا، اهمیت دادن به کنش های غیر عاطفی؛ شاخص عام گرایی از طریق معرف های نوع جهت گیری در مورد باور به شایسته سالاری، باور به جهت گیری عام گرا و اکتسابی، اعتماد بالا؛ شاخص ارزش های دمکراتیک از طریق معرف های نوع جهت گیری در مورد باور به قدرت های هم سطح و افقی، باور به آزادی بیان و برابری در نقش های جنسیتی؛ شاخص علم گرایی بالا از طریق معرف های نوع جهت گیری در مورد توجه به آموزش و تقدیرگرایی سنجیده می شوند.

توسعه‌ی انسانی که از دهه‌ی ۱۹۹۰ مورد توجه سازمان ملل متحد و اندیشمندان علوم اجتماعی بوده است، سه شاخص اصلی را در بر دارد: درآمد سرانه، سطح سواد و امید به زندگی. اینگلهارت و همکارانش معرف های (شاخص ها) توسعه‌ی انسانی را شامل سه دسته‌ی: ۱- توسعه اجتماعی - اقتصادی؛ ۲- تغییر فرهنگی و ۳- دمکراتیک شدن می دانند که دسته‌ی اول سه شاخص اصلی مد نظر سازمان ملل را در بر می گیرد.

### ۳.۳. فرضیات تحقیق

در این بررسی جهت‌گیری ارزشی به عنوان متغیر وابسته مورد توجه قرار می‌گیرد. آنچه مدنظر است این است که تغییرات در شرایط اقتصادی و اجتماعی می‌تواند به عنوان متغیرهای مستقل، زمینه و جهت‌گیری ارزشی جدیدی را در پی داشته باشد. لذا برای یافتن پاسخ‌هایی برای پرسش‌های قبلی فرضیات زیر مطرح می‌شود تا با سنجش آن‌ها بتوانیم به پاسخ‌های واقعی دست یابیم:

۱- به نظر می‌رسد که بین سطح تحصیلات فرد و جهت‌گیری ارزشی رابطه وجود دارد.

۲- به نظر می‌رسد که بین سطح تحصیلات والدین و جهت‌گیری ارزشی رابطه وجود دارد.

۳- احتمال می‌رود بین وضعیت شغلی و جهت‌گیری ارزشی رابطه وجود داشته باشد.

۴- به نظر می‌رسد که بین احساس امید به زندگی و جهت‌گیری ارزشی رابطه وجود دارد.

۵- به نظر می‌رسد که بین قدرت اقتصادی خانوار و جهت‌گیری ارزشی رابطه وجود دارد.

#### ۴. روش‌شناسی تحقیق

۴.۱. روش تحقیق: با توجه به این‌که در این پژوهش واحد اصلی فرد است که با سنجش نگرش وی، متغیرهای مورد بررسی سنجیده می‌شود، از روش پیمایشی<sup>۱</sup> استفاده می‌شود. ویژگی‌های بارز پیمایش در شیوه‌ی گردآوری داده‌ها و تحلیل آن‌ها نهفته است. (دواس، ۱۳۷۶) ابزار اصلی برای گردآوری داده‌ها در این پژوهش، پرسشنامه است که با سؤالات چند گزینه‌ای و یا سؤالات باز (در حد فاصله‌ای-نسبی) به سنجش متغیرها می‌پردازد.

۴.۲. جامعه‌ی آماری و حجم نمونه: شامل شهروندان پانزده ساله و بالاتر شهرهای شیراز و یاسوج است که به صورت نمونه‌گیری انتخاب و مورد پرسش قرار می‌گیرند. با استفاده از فرمول لین و بر اساس اطلاعات سرشماری سال ۱۳۷۵ حجم نمونه تعیین شد. این فرمول حجم نمونه را با توجه به دقت نمونه‌گیری (پذیرش میزان خطا)، حجم جامعه‌ی آماری، سطح اطمینان معنی‌داری و هم‌چنین درصد جمعیتی که انتظار می‌رود پاسخ یکسانی ارائه دهند، تعیین می‌کند. (Lin, 1976: 446) در این تحقیق با سطح اطمینان ۹۵ درصد، احتمال خطای چهاردرصد و حجم جامعه‌ی آماری و با این فرض که پنجاه درصد از جمعیت پاسخ یکسانی ارائه کنند، حجم نمونه برای شهر شیراز ششصد مورد و با سطح اطمینان ۹۵ درصد، احتمال خطای پنج درصد و حجم جامعه‌ی آماری و با این فرض که پنجاه درصد از جمعیت پاسخ یکسانی ارائه کنند، حجم نمونه برای شهر یاسوج ۳۸۱ مورد تعیین شد؛ با این توصیف، حجم نمونه‌ی دو شهر ۹۸۱ مورد می‌باشد که برای افزایش میزان دقت تعداد نمونه دو شهر به هزار مورد افزایش یافته ولی تعداد پرسشنامه‌ی تکمیلی نهایی ۹۹۱ مورد بوده است.

---

1-Survey

۳.۴. شیوهی نمونه‌گیری: در جامعه‌ی آماری که ساخت ناهمگن دارد از نمونه‌گیری طبقه‌ای استفاده می‌شود. (رفیع پور، ۱۳۷۰) نمونه‌گیری این پژوهش برای انتخاب پاسخ‌گویان شهر شیراز به صورت طبقه‌ای تصادفی منظم و برای شهر یاسوج خوشه‌ای تصادفی منظم است.

۴.۴. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: داده‌های این پژوهش که به صورت پیمایشی و با ابزار پرسشنامه گردآوری می‌شوند، در قالب مقیاس‌های اسمی، رتبه‌ای، فاصله‌ای-نسبی سنجیده می‌شوند. پس از گردآوری داده‌ها آن‌ها را به کمک نرم افزار SPSS در محیط ویندوز تجزیه و تحلیل می‌کنیم. در تجزیه و تحلیل داده‌ها دو دسته از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی مورد استفاده قرار می‌گیرند. روش همبستگی که جهت و قدرت ارتباط دو متغیر را نشان می‌دهد، برای این بررسی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

در این بررسی جهت گیری ارزشی (متغیر وابسته) در ارتباط با شاخص‌های توسعه‌ی انسانی (متغیرهای مستقل) سنجیده می‌شوند. نمرات جهت گیری ارزشی که از مجموع نمرات ۴۶ گویه (هر گویه از نمره‌ی صفر تا چهار ارزش گذاری شده است) به دست می‌آیند، نشانه‌ی بینش توسعه‌ی پاسخ‌گویان می‌باشند. بدین ترتیب کمترین و بیشترین نمره‌ی ممکن یک پاسخ‌گو به ترتیب صفر ( $0=46 \times 0$ ) و  $184=46 \times 4$  است. هرچه نمرات کمتر باشد نشانه‌ی جهت گیری ناسازگار با توسعه و هرچه بالاتر باشد، نشانه‌ی جهت گیری سازگار با توسعه است. برای طبقه بندی نمره‌ی جهت گیری ارزشی پاسخ‌گویان، ابتدا میانگین و انحراف معیار آن را تعیین و سپس طبقات پایین، متوسط و بالا را مشخص کردیم. با توجه به این که میانگین جهت گیری  $108/77$  و انحراف معیار آن  $15/80$  می‌باشد، پاسخ‌گویی که نمره‌ی جهت گیری ارزشی آن‌ها بیش از یک انحراف معیار از میانگین ( $X+1SD$ ) باشد در طبقه با جهت گیری ارزشی بالا؛ پاسخ‌گویی که نمره‌ی جهت گیری ارزشی آن‌ها کمتر از یک انحراف معیار از میانگین ( $X-1SD$ ) باشد در طبقه با جهت گیری ارزشی پایین؛ و دیگر پاسخ‌گویان در طبقه با جهت گیری ارزشی متوسط قرار می‌گیرند. برای تعیین شاخص پایگاه اقتصادی پاسخ‌گویان، معادل درآمد ماهیانه‌ی سرپرست خانواری که پاسخ‌گو در آن قرار دارد و هزینه‌ی ماهیانه آن خانوار، بر اساس خط فقر نقاط شهری (۲۵۰۰۰۰ تومان) به دو

دسته‌ی زیر: خط فقر (زیر ۲۵۰۰۰۰ تومان) و بالای خط فقر (۲۵۰۰۰۰ تومان و بالاتر) تقسیم شده است.

برای شناخت میزان انسجام درونی (پایایی) گویه‌های متغیر وابسته از آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب آلفای آن‌ها ۰/۷۷ می‌باشد و نشانه‌ی بالا بودن میزان انسجام درونی گویه‌هاست. اعتبار محتوا نیز به شیوه‌ی اعتبار صوری با مراجعه و تبادل نظر با افراد متخصص و صاحب نظر تضمین شد.

#### ۵. یافته‌های تحقیق (تجزیه و تحلیل داده‌ها)

۵.۱. مقدمه. در این بررسی رابطه‌ی میان جهت‌گیری ارزشی (مجموع نمرات ۴۶ گویه) به عنوان متغیر وابسته و شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی توسعه‌ی انسانی به عنوان متغیرهای مستقل سنجیده می‌شوند. در این بخش یافته‌های به‌دست آمده از داده‌های آماری درباره‌ی فرضیات مطرح شده مورد تحلیل قرار می‌گیرند. یادآوری می‌کند که در این بخش، برای بررسی هر فرضیه، نخست توزیع فراوانی مبتنی بر دسته بندی جهت‌گیری ارزشی (به صورت رتبه‌ای) ارائه شده و سپس جدول مربوط به آماره‌ی استنباطی به‌دست آمده بر اساس نمره‌ی جهت‌گیری ارزشی (فاصله‌ای-نسبی) آورده شده است.

#### ۵.۲. فرضیه‌ی نخست: رابطه بین سطح سواد و جهت‌گیری ارزشی

جدول شماره‌ی یک - توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب سطح سواد و جهت‌گیری ارزشی (درصد)

کل	سطح سواد فرد					جهت‌گیری ارزشی
	عالی	دیپلم	راهنمایی و زیردیپلم	ابتدایی	بی سواد	
۱۶/۶	۱/۷	۶/۲	۲/۵	۳/۱	۳	پایین
۶۸/۱	۱۸/۲	۳۲/۵	۸/۴	۶/۷	۲/۳	متوسط
۱۵/۳	۶	۷	۱/۴	۰/۸	۰/۱	بالا
۱۰۰	۲۵/۹	۴۵/۶	۱۲/۴	۱۰/۶	۵/۵	کل
Missing = ۴					N = ۹۸۶	

جدول شماره‌ی یک نشان می‌دهد که افراد با تحصیلات بالاتر دارای سطح بالاتری از نمره‌ی جهت‌گیری ارزشی سازگار با توسعه هستند. هم‌چنین ضریب همبستگی

اسپیرمن نشان می دهد که دو متغیر در سطح معنی داری بیش از ۹۹ درصد و مقدار  $r = ۰/۴۵۲$  با هم همبستگی دارند.

جدول شماره ی دو - آزمون تفاوت میانگین جهت گیری ارزشی با توجه به سطح سواد

فرد

سطح معناداری	مقدار F	انحراف معیار	میانگین نمره جهت گیری ارزشی	فراوانی	سطح سواد
۰/۰۰۰	۲۷/۶۵۸	۱۴/۳۰	۹۴/۳۷	۵۴	بی سواد
		۱۶/۳۵	۱۰۲/۲۷	۱۰۵	ابتدایی
		۱۴/۷۶	۱۰۵/۷۵	۱۲۲	راهنمایی و زیردیپلم
		۱۵/۱۵	۱۰۹/۶۷	۴۵۰	دیپلم
		۱۴/۵	۱۱۴/۳۲	۲۵۵	عالی
		۱۵/۸۲	۱۰۸/۷۶	۹۸۶	کل

جدول شماره ی دو نشان می دهد سطوح تحصیلی از نظر جهت گیری ارزشی در سطح ۹۹ درصد دارای تفاوت معناداری هستند. هر چه سطح تحصیلات بالاتر می رود نمره ی جهت گیری ارزشی نیز بالاتر است. لذا فرضیه ی نخست تأیید می شود.

۵.۳. فرضیه ی دوم: رابطه بین سطح سواد والدین و جهت گیری ارزشی

۵.۳.۱. سطح سواد پدر

جدول شماره ی سه - توزیع فراوانی پاسخ گویان بر حسب سطح سواد پدر و جهت

گیری ارزشی (درصد)

کل	سطح سواد پدر					جهت گیری ارزشی
	عالی	دیپلم	راهنمایی و زیردیپلم	ابتدایی	بی سواد	
۱۴/۶	۱	۲/۱	۱/۸	۳/۶	۶/۱	پایین
۶۸/۸	۹/۵	۱۷	۹/۹	۱۵/۴	۱۷	متوسط
۱۶/۵	۳/۳	۴/۵	۲/۱	۳/۸	۲/۹	بالا
۱۰۰	۱۳/۸	۲۳/۷	۱۳/۸	۲۲/۸	۲۶	کل
Missing = ۱۹۱		N = ۷۹۹				

جدول شماره‌ی سه نشان می‌دهد هرچه سطح سواد پدر بالاتر باشد، نمره‌ی جهت‌گیری ارزشی فرد نیز بالاتر است. در رده‌ی جهت‌گیری ارزشی پایین، افراد با تحصیلات عالی با یک درصد و بی‌سوادان با ۶/۱ درصد به ترتیب کمترین و بیشترین درصد را به خود اختصاص داده‌اند. در رده‌ی جهت‌گیری ارزشی بالا افراد با تحصیلات دیپلم با ۴/۵ درصد و افراد با تحصیلات راهنمایی با ۲/۹ درصد به ترتیب بیشترین و کمترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند.

**جدول شماره‌ی چهار- آزمون تفاوت میانگین جهت‌گیری ارزشی با توجه به سطح**

**سواد پدر**

سطح معناداری	مقدار F	انحراف معیار	میانگین نمره‌ی جهت‌گیری ارزشی	فراوانی	سطح سواد پدر
۰/۰۰۰	۷/۸۴۳	۱۵/۸۱	۱۰۵/۰۵	۲۰۸	بی‌سواد
		۱۵/۷۹	۱۰۹/۷۷	۱۸۲	ابتدایی
		۱۶/۲۶	۱۰۹/۶۶	۱۱۰	راهنمایی و زیردیپلم
		۱۴/۸۹	۱۱۱/۶۷	۱۸۹	دیپلم
		۱۴/۴۷	۱۱۴/۲۶	۱۱۰	عالی
		۱۵/۷۴	۱۰۹/۵۹	۷۹۹	کل

میانگین نمره‌ی جهت‌گیری ارزشی پاسخ‌گویان با توجه به سطح سواد پدر دارای تفاوت معناداری در سطح ۹۹ درصد ( $p\text{-value}=0/000$ ) است. هرچه سطح سواد پدر بالاتر باشد، نمره‌ی جهت‌گیری ارزشی فرد نیز بالاتر و با شرایط توسعه‌ای سازگارتر است. همچنین ضریب همبستگی اسپیرمن نشان می‌دهد که دو متغیر در سطح معناداری بیش از ۹۹ درصد و مقدار  $r = 0/396$  با هم همبستگی دارند.



۵. ۳. ۲. سطح سواد مادر

جدول شماره ی پنج- توزیع فراوانی پاسخ گویان بر حسب سطح سواد مادر و جهت

گیری ارزشی(درصد)

کل	سطح سواد مادر					جهت گیری ارزشی
	عالی	دیپلم	راهنمایی و زیردیپلم	ابتدایی	بی سواد	
۱۵/۲	.۵	۱/۲	۱/۷	۴/۷	۷/۲	پایین
۶۸/۹	۲/۷	۱۰/۵	۱۰/۷	۲۰/۴	۲۴/۶	متوسط
۱۵/۸	۱	۲/۸	۲/۳	۵/۱	۴/۶	بالا
۱۰۰	۴/۲	۱۴/۴	۱۴/۸	۳۰/۳	۳۶/۴	کل
Missing = ۱۲۴      N = ۸۶۶						

جدول شماره ی پنج نشان می دهد که هرچه سطح سواد مادر بالاتر باشد، نمره ی جهت گیری ارزشی فرد بالاتر است.

جدول شماره ی شش - آزمون تفاوت میانگین جهت گیری ارزشی با توجه به سطح

سواد مادر

سطح معناداری	مقدار F	انحراف معیار	میانگین نمره ی جهت گیری ارزشی	فراوانی	سطح سواد مادر
۰/۰۰۰	۲۷/۶۵۸	۱۴/۳	۹۴/۳۷	۵۴	بی سواد
		۱۶/۳۵	۱۰۲/۲۷	۱۰۵	ابتدایی
		۱۴/۷۶	۱۰۵/۷۵	۱۲۲	راهنمایی و زیردیپلم
		۱۵/۱۶	۱۰۹/۶۷	۴۵۰	دیپلم
		۱۴/۵	۱۱۴/۳۲	۲۵۵	عالی
		۱۵/۸۲	۱۰۸/۷۶	۹۸۶	کل

جدول شماره ی شش نشان می دهد که نمره ی جهت گیری ارزشی پاسخ گویان با توجه به سطح سواد مادر دارای تفاوت معناداری در سطح ۹۹ درصد ( $p\text{-value}=۰/۰۰۰$ ) است. همچنین ضریب همبستگی اسپیرمن نشان می دهد که دو متغیر در سطح معنی داری بیش از ۹۹ درصد و مقدار  $r = ۰/۳۷۴$  با هم همبستگی دارند.

با توجه به این‌که بین سطح سواد پدر و جهت‌گیری ارزشی و هم‌چنین بین سطح سواد مادر و جهت‌گیری ارزشی در سطح ۹۹ درصد رابطه‌ی معناداری وجود دارد، فرضیه‌ی دوم تأیید می‌شود. نتیجه این‌که بین سطح سواد والدین و جهت‌گیری ارزشی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

#### ۵.۴. فرضیه‌ی سوم: رابطه بین سطح وضعیت شغلی و جهت‌گیری ارزشی

برای بررسی رابطه‌ی وضعیت شغلی و جهت‌گیری ارزشی، این متغیر در سه وضعیت شامل: وضع فعالیت، نوع شغل (دولتی - غیردولتی) و منزلت شغلی مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

#### ۵.۴.۱. وضع فعالیت

جدول شماره‌ی هفت - توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب وضع فعالیت و

جهت‌گیری ارزشی (درصد)

کل	وضع فعالیت						جهت‌گیری ارزشی
	سایر	بازنشسته	محصل	خانه‌دار	بیکار	شاغل	
۱۶/۶	۰	۰/۸	۲/۴	۷	۰/۸	۵/۶	پایین
۶۸/۱	۰/۳	۳	۱۸/۵	۱۸/۲	۷/۵	۲۰/۶	متوسط
۱۵/۴	۰/۳	۱/۴	۵/۱	۳/۷	۰/۸	۴	بالا
۱۰۰	۰/۶	۵/۳	۲۶	۲۸/۹	۹/۱	۳۰/۲	کل
Missing = ۰			N = ۹۹۰				

جدول شماره‌ی هفت نشان می‌دهد که در رده‌ی جهت‌گیری ارزشی بالا، محصلین (با ۵/۱ درصد)، بی‌کاران (با ۰/۸ درصد) به ترتیب بیشترین و کمترین درصد را دارند. در رده‌ی جهت‌گیری ارزشی پایین، خانه‌دارها (با ۷ درصد) و بی‌کاران و بازنشستگان (هر دو با ۰/۸ درصد) به ترتیب بیشترین و کمترین درصد را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول شماره ی هشت- آزمون تفاوت میانگین جهت گیری ارزشی با توجه به وضع فعالیت

سطح معناداری	مقدار F	انحراف معیار	میانگین نمره ی جهت گیری ارزشی	فراوانی	وضع فعالیت
۰/۰۰۰	۷/۰۰۸	۱۵/۶۱	۱۰۷/۶۷	۲۹۹	شاغل
		۱۳/۰۷	۱۰۷/۰۳	۹۰	بی کار
		۱۶	۱۰۶/۰۴	۲۸۶	خانه دار
		۱۵/۳	۱۱۲/۷۸	۲۵۷	محصل
		۱۷/۷۶	۱۱۱/۹۱	۵۲	بازنشسته
		۱۸/۳۶	۱۲۲/۲۲	۶	سایر
		۱۵/۸	۱۰۸/۷۹	۹۹۰	کل

با نادیده انگاشتن گزینه ی « سایر فعالیت ها» از تحلیل آماری، بیشترین نمره ی جهت گیری ارزشی مربوط به محصلین است. نمره ی جهت گیری ارزشی پاسخ گویان با توجه به وضع فعالیت در سطح ۹۹ درصد ( $p\text{-value}=0/000$ ) دارای تفاوت معناداری است.

۵.۴.۲. نوع شغل (دولتی - غیردولتی)

جدول شماره ی نه - توزیع فراوانی پاسخ گویان بر حسب نوع شغل و جهت گیری ارزشی (درصد)

کل	نوع شغل		جهت گیری ارزشی
	غیردولتی	دولتی	
۱۸/۲	۱۳/۹	۴/۴	پایین
۶۸/۶	۳۲/۱	۳۶/۵	متوسط
۱۳/۲	۴/۷	۸/۴	بالا
۱۰۰	۵۰/۷	۴۹/۳	کل
Missing = ۰		N = ۲۹۶	

جدول شماره ی نه نشان می دهد که دارندگان مشاغل دولتی جهت گیری ارزشی بالاتری نسبت به دارندگان مشاغل غیر دولتی دارند. متغیر های نوع شغل و جهت گیری ارزشی در سطح ۹۹ درصد دارای رابطه ی معنی دار می باشند.

**جدول شماره‌ی ده - آزمون تفاوت میانگین جهت گیری ارزشی با توجه به نوع شغل**

نوع شغل	فراوانی	میانگین نمره‌ی جهت گیری ارزشی	انحراف معیار	مقدار T	سطح معناداری
دولتی	۱۴۶	۱۱۲/۱۲	۱۲/۸۱	۴/۹۶۸	۰/۰۰۰
غیر دولتی	۱۵۰	۱۰۳/۵	۱۶/۷۵		

جدول شماره‌ی ده نشان می‌دهد که نمره‌ی جهت گیری ارزشی پاسخ‌گویان با توجه به نوع شغل در سطح ۹۹ درصد ( $p\text{-value}=0/000$ ) دارای تفاوت معناداری می‌باشد. میانگین نمره‌ی جهت گیری ارزشی شاغلان دولتی بیشتر از نمره‌ی شاغلان غیر دولتی است.

**۵.۴.۳. منزلت شغلی**

این متغیر با گزینه‌های چهارده گانه‌ی مشاغل (به ترتیب منزلت) مورد سنجش قرار گرفته است و براساس میانگین و انحراف معیار توزیع فراوانی، به سه دسته‌ی منزلتی تقسیم شد.

**جدول شماره‌ی یازده - توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب منزلت شغلی و جهت گیری ارزشی (درصد)**

جهت گیری ارزشی	منزلت شغلی			کل
	پایین	متوسط	بالا	
پایین	۶/۱	۱۱/۲	۱/۴	۱۸/۷
متوسط	۱۴/۶	۴۶/۶	۶/۵	۶۷/۷
بالا	۱/۷	۹/۵	۲/۴	۱۳/۶
کل	۲۲/۴	۶۷/۳	۱۰/۲	۱۰۰
Missing = ۲                      N = ۲۹۴				

جدول شماره‌ی یازده نشان می‌دهد که افراد با منزلت شغلی پایین، بیشتر دارای جهت گیری ارزشی پایین و افراد با منزلت شغلی بالا، بیشتر دارای جهت گیری ارزشی بالا می‌باشند.

جدول شماره ی دوازده - آزمون تفاوت میانگین جهت گیری ارزشی با توجه به منزلت شغلی.

منزلت شغلی	فراوانی	میانگین نمره ی جهت گیری ارزشی	انحراف معیار	مقدار F	سطح معناداری
پایین	۶۶	۱۰۳/۳۱	۱۵/۶۴	۴/۰۰۲	۰/۰۱۹
متوسط	۱۹۸	۱۰۸/۵۸	۱۵/۵۳		
بالا	۳۰	۱۱۱/۸۱	۱۵/۳۹		
کل	۲۹۴	۱۰۷/۷۳	۱۵/۷		

براساس داده های جدول شماره ی دوازده ، جهت گیری ارزشی افراد با توجه به منزلت شغلی آنان بالا می رود. نمره ی جهت گیری ارزشی افراد با توجه به منزلت آنان در سطح ۹۵ درصد (  $p\text{-value}=0/019$  ) دارای تفاوت معناداری است. هم چنین ضریب همبستگی اسپیرمن نشان می دهد که دو متغیر در سطح معنی داری بیش از ۹۹ درصد و مقدار  $r = 0/228$  با هم همبستگی دارند.

با توجه به داده های مربوط به متغیر وضعیت شغلی، می توان نتیجه گرفت که بین وضعیت شغلی و جهت گیری ارزشی (در سطح ۹۵ درصد) ارتباط معناداری وجود دارد، بنابراین فرضیه ی شماره ی سه تأیید می شود.

۵. فرضیه ی چهارم: رابطه بین احساس امید به زندگی و جهت گیری ارزشی متغیر احساس امید به زندگی مجموع نمرات گویه هایی است که احساس نسبت به سلامت، امید به آینده و خوشایند بودن زندگی فرد را می سنجد.

جدول شماره ی سیزده - توزیع فراوانی پاسخ گویان بر حسب میزان احساس امید به

زندگی و جهت گیری ارزشی (درصد)

جهت گیری ارزشی	میزان احساس امید به زندگی		
	پایین	متوسط	بالا
پایین	۴/۴	۱۰/۵	۱/۵
متوسط	۱۱	۴۴/۲	۱۳
بالا	۱/۵	۹/۳	۴/۶
کل	۱۶/۹	۶۴/۱	۱۹
Missing = ۲		N = ۹۸۸	

جدول شماره‌ی سیزده نشان می‌دهد که هر چه میزان احساس امید به زندگی بالاتر باشد، جهت‌گیری ارزشی نیز بالاتر است و بالعکس.

جدول شماره‌ی چهارده - همبستگی بین احساس امید به زندگی و جهت‌گیری

ارزشی

میزان احساس امید به زندگی		جهت‌گیری ارزشی
ضریب همبستگی اسپیرمن	۰/۲۲۸	
سطح معناداری	۰/۰۰۰	
تعداد	۹۸۸	

جدول شماره‌ی چهارده نشان می‌دهد که بین متغیر احساس امید به زندگی و جهت‌گیری ارزشی در سطح ۹۹ درصد و با ضریب  $r = ۰/۲۲۳$ ، همبستگی وجود دارد. به عبارت دیگر هر چه میزان احساس امید به زندگی پاسخ‌گویان بالاتر باشد، جهت‌گیری ارزشی آن‌ها نیز بالاتر است؛ لذا فرضیه‌ی چهار تأیید می‌گردد و نتیجه می‌گیریم که بین احساس امید به زندگی و جهت‌گیری ارزشی رابطه‌ی مستقیم وجود دارد.

۵.۶. فرضیه‌ی پنجم: رابطه بین پایگاه اقتصادی خانواده و جهت‌گیری ارزشی

برای بررسی این فرضیه، جداول فراوانی و آزمون T بر اساس وضعیت اقتصادی خانواده ( دو دسته زیر خط فقر و بالای خط فقر) و همبستگی پیرسون نیز بر اساس متغیر قدرت مالی (در سطح فاصله ای - نسبی) به‌دست آمده‌اند.

جدول شماره‌ی پانزده - توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب وضعیت اقتصادی

خانواده و جهت‌گیری ارزشی (درصد)

کل	وضعیت اقتصادی خانواده		جهت‌گیری ارزشی
	بالای خط فقر	زیر خط فقر	
۱۷/۱	۵	۱۲/۱	پایین
۶۷/۶	۲۹/۳	۳۸/۲	متوسط
۱۵/۴	۸/۲	۷/۲	بالا
۱۰۰	۴۲/۵	۵۷/۵	کل
Missing = ۶		N = ۹۴۴	

جدول شماره ی پانزده نشان می دهد که افراد بالای خط فقر دارای جهت گیری ارزشی بالاتری نسبت به افراد زیر خط فقر هستند.

جدول شماره ی شانزده - آزمون تفاوت میانگین جهت گیری ارزشی با توجه به

وضعیت اقتصادی خانواده

وضعیت اقتصادی خانواده	فراوانی	میانگین نمره ی جهت گیری ارزشی	انحراف معیار	مقدار T	سطح معناداری
زیر خط فقر	۵۴۳	۱۰۶/۹۳	۱۶/۰۵	-۴/۰۲۹	۰/۰۰۰
بالای خط فقر	۴۰۱	۱۱۱/۱	۱۵/۲۸		

جدول شماره ی شانزده نشان می دهد که جهت گیری ارزشی افراد با توجه به وضعیت اقتصادی خانواده در سطح ۹۹ درصد (p-value=۰/۰۰۰) دارای تفاوت معناداری می باشد. میانگین نمره ی جهت گیری ارزشی افراد بالای خط فقر بالاتر از میانگین افراد زیر خط فقر است.

جدول شماره ی هفده - همبستگی قدرت مالی(اقتصادی) خانواده و جهت گیری

ارزشی

قدرت مالی(اقتصادی)		جهت گیری ارزشی
ضریب همبستگی پیرسون	۰/۱۳۱	
سطح معناداری	۰/۰۰۰	
تعداد	۹۴۴	

متغیر قدرت مالی خانواده، شاخص وضعیت اقتصادی خانواده( در حد فاصله ای - نسبی) است و از تلفیق درآمد ماهیانه ی سرپرست خانواده و هزینه ی ماهیانه خانواده به دست می آید. جدول شماره ی هفده نشان می دهد که بین دو متغیر در سطح ۹۹ درصد و با ضریب  $r = 0/131$  همبستگی وجود دارد. به عبارت دیگر هر چه میزان قدرت مالی خانواده ی پاسخ گویان بالاتر باشد، جهت گیری ارزشی آن ها بالاتر است. لذا

فرضیه‌ی پنج تأیید می‌شود و نتیجه می‌گیریم که بین پایگاه اقتصادی خانواده و جهت‌گیری ارزشی رابطه‌ی مستقیم وجود دارد.

### ۶. بحث و نتیجه‌گیری

با باور به این‌که هر فردی دارای جهت‌گیری ارزشی خاصی است، می‌توان گفت که جهت‌گیری ارزشی انسان‌ها، نوع بینش آن‌ها به جامعه و شیوه‌ی تعامل و رفتارشان نسبت به دیگران را تعیین می‌کند. این بررسی که با بهره‌گیری از نظریات مربوط به جهت‌گیری ارزشی، به ویژه دیدگاه مادی‌گرایی - فرامادی‌گرایی اینگلهارت، دیدگاه گفتمان دوسویه‌ی الکساندر، دیدگاه شوارتز و... انجام شده است، فرضیاتی را در مورد توسعه‌ی انسانی و ارتباط آن با جهت‌گیری ارزشی (از نظر سازگاری با توسعه) مطرح کرد. سپس با جمع‌آوری داده‌ها با تکمیل پرسشنامه (مصاحبه‌ی حضوری) از ۹۹۰ نفر از افراد پانزده سال به بالای شهرهای شیراز و یاسوج، فرضیات مطرح شده مورد آزمون قرار گرفتند.

توسعه‌ی انسانی که از دهه‌ی ۱۹۹۰ مورد توجه سازمان ملل متحد و اندیشمندان علوم اجتماعی بوده است، سه شاخص اصلی را در بر دارد: درآمد سرانه، سطح سواد و امید به زندگی. اینگلهارت و همکارانش معرف‌های (شاخص‌ها) توسعه‌ی انسانی را شامل سه دسته‌ی: ۱- توسعه‌ی اجتماعی - اقتصادی. ۲- تغییر فرهنگی و ۳- دمکراتیک شدن می‌دانند که دسته‌ی اول سه شاخص اصلی مد نظر سازمان ملل را در بر می‌گیرد.

در این بررسی پایگاه اقتصادی، سطح سواد و میزان احساس امید به زندگی به عنوان شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی توسعه‌ی انسانی و به عنوان متغیرهای مستقل مورد سنجش قرار گرفته است.

بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که هر چه شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی توسعه‌ی انسانی بالاتر باشند، جهت‌گیری ارزشی پاسخ‌گویان نیز افزایش می‌یابند و با توسعه سازگارتر می‌شوند. سطوح تحصیلی فرد، پدر و مادر هر کدام در سطح ۹۹ درصد با جهت‌گیری ارزشی پاسخ‌گویان رابطه‌ی معنا داری دارند. لذا فرضیه‌های اول (سواد فرد) و دوم (سواد والدین) تأیید می‌شوند. فرضیه سوم در مورد وضعیت شغلی و جهت‌گیری ارزشی نیز تأیید می‌شود. زیرا جهت‌گیری ارزشی افراد با توجه به وضع فعالیت،



نوع شغل (دولتی - غیر دولتی) و منزلت شغلی (مشاغل طبقات پایین، متوسط و بالا) تفاوت معناداری دارند. از نظر نوع فعالیت، محصلین (شامل دانش آموزان و دانشجویان) از نمره‌ی جهت گیری ارزشی بالاتری نسبت به دیگر افراد برخوردارند. از نظر نوع شغل (دولتی و غیر دولتی)، دارندگان مشاغل دولتی از نمره‌ی جهت گیری ارزشی بالاتری برخوردار هستند. این وضعیت می تواند تا حدّ زیادی ناشی از تفاوت سطح سواد دارندگان مشاغل دولتی و غیر دولتی باشد. از نظر منزلت شغلی، دارندگان منزلت شغلی بالاتر از نمره‌ی جهت گیری ارزشی بالاتری و در مقابل افراد با منزلت شغلی پایین تر از نمره‌ی جهت گیری ارزشی پایین تری برخوردارند.

بین میزان احساس امید به زندگی و جهت گیری ارزشی نیز رابطه‌ی معناداری وجود دارد. لذا فرضیه‌ی چهارم تأیید می شود. هرچه احساس امید به زندگی افزایش یابد، جهت گیری ارزشی نیز افزایش می یابد و با توسعه سازگارتر می شود.

شاخص اقتصادی توسعه‌ی انسانی در این بررسی به دو صورت وارد تحلیل شد: ۱- به شکل متغیر قدرت مالی و در سطح فاصله‌ی نسبی (که از مجموع هزینه‌ی ماهیانه خانواده و درآمد سرپرست خانوار تقسیم بر دو به دست می آید)؛ و ۲- تقسیم افراد به دو دسته‌ی زیر خط فقر و بالای خط فقر بر اساس شاخص خط فقر سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور که برای ساکنان مناطق شهری ۲۵۰ هزار تومان تعیین شده است (افراد که قدرت مالی خانواده‌ی شان زیر ۲۵۰ هزار تومان است زیرخط فقر و افراد با قدرت مالی خانوار بالای ۲۵۰ هزار تومان بالا خط فقر شناخته می شوند). هر دو شاخص نشان می دهد که هر چه پایگاه اقتصادی خانواده بالا برود، میزان جهت گیری ارزشی سازگار با توسعه نیز افزایش می یابد. لذا فرضیه‌ی پنجم (رابطه بین پایگاه اقتصادی خانواده و جهت گیری ارزشی) تأیید می شود.

نتیجه‌ی بحث این که، همان گونه که بررسی‌های محققان دیگر (اینگلهارت، بیکروو...) نشان داده است، هر چه سطح بهره گیری از شاخص های توسعه‌ی انسانی بالاتر باشد، جهت گیری ارزشی سازگار با توسعه نیز افزایش می یابد و ویژگی هایی هم چون عام گرایی، عقلانیت، علم گرایی و... که خود نیز زمینه ساز توسعه هستند، بیشتر در جامعه بروز پیدا می کنند.

### محدودیت‌ها و پیشنهادها

این بررسی با محدودیت‌های زیادی اعم از اقتصادی، سازمانی و فرهنگی - اجتماعی روبه‌رو بوده است. با این وجود پیشنهاد می‌گردد: ۱- به منظور شناخت بیشتر و مستمر جهت‌گیری ارزشی مردم ایران، پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها در همه‌ی مناطق کشور اعم از شهری، روستایی و عشایری تداوم یابد. ۲- مطالعات جهت‌گیری ارزشی با توجه علمی و دقیق به ابعاد مختلف ویژگی‌های انسانی انجام شود.

### منابع و مآخذ

- ۱- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳). **تحول فرهنگی در جامعه‌ی پیشرفته‌ی صنعتی**، ترجمه‌ی مریم وتر، تهران: کویر.
- ۲- خوش‌فر، غلامرضا (۱۳۷۴) **مقایسه‌ی تحلیلی ارزش‌های خانواده، مدرسه و گروه‌های همالان از دیدگاه دانش‌آموزان پسر دبیرستانی شهر تهران**. تهران: دانشگاه تهران (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی)، ذکر شده در: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران. چکیده‌ی پایان‌نامه‌های ایران. دوره‌ی ۶. شماره‌ی ۱ (بهار ۱۳۷۷). صفحه‌ی ۲۹.
- ۳- دواس، دی. ای. (۱۳۷۶) **پیمایش در تحقیقات اجتماعی** ترجمه‌ی هوشنگ نایبی. تهران: نشر نی.
- ۴- دورکیم، امیل (۱۳۸۱) **در باره‌ی تقسیم کار اجتماعی**، ترجمه‌ی باقر پرهام، تهران: مرکز.
- ۵- دورکیم، امیل (۱۳۸۳) **صور بنیانی حیات دینی**، ترجمه‌ی باقر پرهام، تهران: مرکز.
- ۶- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۰) **کندوکاوها و پنداشته‌ها**، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۷- سعادت، عبدالحمید (۱۳۷۵) **سلسله مراتب ارزش‌ها نزد جوانان قوچان تهران**، دانشگاه علامه طباطبایی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی)، ذکر شده در: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.

- چکیده‌ی پایان‌نامه‌های ایران دوره‌ی ۹، شماره‌ی ۲ (تابستان ۱۳۸۰)،  
صفحه‌ی ۱۶، شماره‌ی ردیف ۲۴۴۳۴.
- ۸- سو، آلوین‌ی. (۱۳۷۸) *تغییرات اجتماعی و توسعه*، تهران: انتشارات  
پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی، چاپ اول.
- ۹- مارکس، کارل (۱۳۷۹) *سرمایه*، ترجمه‌ی ایرج اسکندری. تهران:  
انتشارات فردوس. چاپ دوم.
- ۱۰- ملکی، امیر (۱۳۷۵) *بررسی رابطه‌ی پایگاه اقتصادی - اجتماعی  
خانواده با گرایش‌های ارزشی نوجوانان (دانش‌آموزان ذکور سال  
سوم رشته‌ی ریاضی و فیزیک و تجربی تهران در سال ۷۵-  
۱۳۷۴)*، تهران: دانشگاه تربیت مدرس (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد  
جامعه‌شناسی). ذکر شده در: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران،  
چکیده‌ی پایان‌نامه‌های ایران، دوره‌ی ۶، شماره‌ی ۱ (بهار ۱۳۷۷).  
صفحات ۳۲ - ۳۳.
- ۱۱- وبر، ماکس (۱۳۷۱) *اخلاق پروتستانی و روحیه‌ی سرمایه‌داری*،  
ترجمه‌ی عبدالمعبود انصاری. تهران: انتشارات سمت. چاپ اول.
- ۱۲- وبر، ماکس (۱۳۷۳) *اخلاق پروتستانی و روحیه‌ی سرمایه‌داری*،  
ترجمه‌ی عبدالکریم رشیدیان و پریسا منوچهری. تهران: انتشارات  
علمی و فرهنگی. چاپ اول.
- ۱۳- وبر، ماکس (۱۳۸۲) *روش‌شناسی علوم اجتماعی*، ترجمه‌ی حسن  
چاوشیان. تهران: مرکز. چاپ اول.
- ۱۴- وینر، مایرون (۱۳۵۴) *نوسازی جامعه*، ترجمه‌ی رحمت‌الله مقدم  
مراغه‌ای. تهران: فرانکلین.
15. Alexander, Jeffrey C. (2001) *The binary discourse of civil  
society*, in Seidman, Steven and Jeffrey C. Alexander (eds.)  
*The New Social Theory Reader*. London: Routledge.
16. Asokan, N. (1997) *Theory of Social Development: Full  
Outline of the Theory in Brief* USA: ICPD (International  
Center for peace and Development).

17. Beck, Ulrich, Anthony Giddens and Scott Lash (1994). ***Reflexive Modernization: Politics, Tradition and Aesthetics in the Modern Social Order*** Stanford: Stanford University Press.
18. Ester, Paul. L. Halman and R. De Moor (eds.) (1993) ***The Individualizing Society: Value Change in Europe and North America***, Tilburge: Tilburge University Press.
19. Ferrari Occhionero, Marsia (2000) ***Generations and value change across time***, *International Review of Sociology*, Vol. 10, No. 2, pp. 223- 233.
20. Greif, Avner (1994) ***Cultural beliefs and organization of society: A historical and theoretical reflection on collectivist and individualist societies***, *Journal of Political Economy*, Vol. 102, No.5, pp. 912-950.
21. Grondona, Mariano (2000). ***A cultural typology of economic development***, in Lawrence E. Harrison and Samuel P. Huntington(eds.). *Culture Matters: How Values Shape Human Progress?* New York: Basic Books.
22. Hagen, Everett E. (1962) ***On the Theory of Social Change***, Homewood: The Dorsey Press Inc.
23. Harrison, Lawrence E. (2000). ***Promoting progressive cultural change***, in Lawrence E. Harrison, and Samuel P. Huntington(eds.). *Culture Matters: How Values Shape Human Progress*. New York: Basic Books. pp. 296 – 307.
24. Heelas, Paul. , Scott lash and paul Morris (eds.) (1996). ***Detraditionalisation: Critical Reflection on Authority and Identity***, Oxford: Blackwell Publishers.
25. Inglehart, Ronald (1977). ***The Silent Revolution***, Princeton: Princeton University Press.
26. Inglehart, Ronald (1997) ***Modernization and Postmodernization: Cultural, Economic and Political Change in 43 Societies***, Princeton: Princeton University Press.
27. Inglehart, Ronald and Wayne E. Baker (2000). ***Modernization, cultural change, and the persistence of traditional values***, *American Sociological Review*, vol. 65, No. 1, (February)pp. 19-51.
28. Inkeles, Alex and Smith, David H. (1974). ***Becoming Modern***, Cambridge: Harvard University Press.

29. Jacobs, Garry, Robert Macfarlane and N. Asokan (1997) ***Comprehensive Theory of Social Development*** USA: ICPD (International Center for Peace and Development).
30. Lehmannova, Zuzana (2003). ***Globalization and culture***, *Journal of International Relations and Development*, (September 2003) Vol. 6, No. 3, pp. 240 – 251.
31. Lin, Nan (1976). ***Foundations of Social Research***, New York: Mc Graw-Hill.
32. McClelland, David C. (1961) ***The Achieving Society***, New York: The Free Press.
33. Mohammadi Alamuti, Masoud (2000) ***Sociological approach to human development and human development reports***, [Online]. <<http://www.gdnet.org/fulltext/alamuti.pdf>> [4 Oct. 2003].
34. Ney, Steven, and Michael Thompson. (1999) ***Consulting the Frogs: the Normative Implications of Cultural Theory***, London: Routledge.
35. Parsons, Talcot and Edward A. Shils (1962) ***Values, motives and systems of action***, in Parsons, Talcot and Edward A. Shils (eds.). *Toward a General Theory of Action*. Cambridge: Harvard University Press. pp. 47- 109.
36. Porter Michael E. (2000) ***Attitudes, values, beliefs, and the microeconomics of prosperity***, in Lawrence E. Harrison. and Samuel P. Huntington (eds.). *Culture Matters: How Values Shape Human Progress?*. New York: Basic Books. pp. 14 – 28.
37. Richards, Paul (1996) ***Fighting for the Rain Forest: Youth, Resources and War in Sierra Leone***, Oxford: James Curry.
38. Rogers, Everett M. (1969) ***Modernization among Peasants: The Impact of Communication***, New York: Holt, Rinehart and Winston, Inc.
39. Schech, Susanne and Jane Haggis (2000) ***Culture and Development: A Critical Introduction***, Massachusetts (USA): Blackwell Publishers Inc.
40. Schwartz, Shalom. H. (1994) ***Are there universal aspects in structure and contents of human values?*** *Journal of Social Issues*, Vol. 50, No. 4, pp.19-5.
41. Simmel, George (1950) ***The Sociology of George Simmel*** (Translated, edited and with an introduction by Kurt H. Wolff). New York: The Free Press.

42. Smith, Mark J. (2000) *Culture: Reinventing the Social Sciences* Philadelphia: Open University Press.
  43. Swingewood, Alan (1998) *Cultural Theory and the Problem of Modernity* USA: St. Martin's Press Inc.
  44. Thompson, Michael (1996) *Inherent Relationality: an Anti-dualist Approach to Institutions*, Bergen, Norway: Los-centre Report 9608.
  45. Unesco(1994) *Culture and development; a study* [Online].<[www.unesco.org](http://www.unesco.org)> .[22 Jan. 2004].
  46. Vinken, Henk; Joseph Soeters and Peter Ester (2003) *Comparing Cultures of Change*, Tilburge: Tilburge University Press.
  47. Welzel, Christian, Ronald Inglehart, and Hans-Dieter Klingemann (2001) *Human development as a general theory of social change: A multi-level and cross-cultural perspective*, Berlin: wissenschaftszentrum Berlin fur sozialforschung GmbH (WZB).
  48. Zhu, Zhichang (2000). *Cultural change and economic performance: An interactionistic perspective*, *International Journal of Organizational Analysis*, 2000, Vol. 8, Issue 1, pp. 109-126.
-